



خبر

ترک فعل در مناسب سازی فضاها برای معلولان بی پاسخ نمی ماند



با دستور دادستان مرکز گلستان اجرای مصوبات ستاد مناسب سازی فضاها برای افراد دارای معلولیت وارد فاز عملیاتی شد. به گزارش روابط عمومی، محمود اسپانلو در نشست با سرپرست بهزیستی گلستان و جمعی از نمایندگان جامعه دارای معلولیت از تشکیل کارگروه «حقوق عامه» به منظور پیگیری اجرای مصوبات ستاد مناسب سازی خبر داد و گفت: در قالب این کارگروه معاونت حقوق عامه دادرسی مرکز استان با همکاری اداره کل بازرسی، تمامی مصوبات این ستاد در ساختمان های اداری و فضاهای عمومی را بررسی می کنند. وی افزود: در صورتی که مدیران دستگاه ها در بازه زمانی مشخص شده، از اجرای مصوبات این ستاد و عمل به تکالیف قانونی خود خودداری کنند، برای آنان پرونده ترک فعل در دادرسی مرکز استان تشکیل خواهد شد. دادستان مرکز استان گلستان با تأکید بر لزوم اجرای قانون جامع حمایت از حقوق معلولان گفت: دسترسی عادلانه معلولان به خدمات رفاهی، اجتماعی و اداری یک حق قانونی است و این افراد نیز باید بدون تبعیض، همانند سایر اقشار جامعه از امکانات عمومی، خدمات درمانی، معیشتی و امکان تردد در جامعه برخوردار باشند. وی ادامه داد: تمامی دستگاه ها مکلف به انجام اقدامات لازم برای مناسب سازی ساختمان ها و فضاهای عمومی به ویژه برای معلولان و سالمندان هستند.



چند پرسش از خود



■ مهدی فاضل

زمانی به دروغ پناه می برم که حقیقت منجر شود آنان که عمیقاً دوست شان دارم، در رنج و تشویشی بسیار فرو بروند. این امر هرگز توجیه اخلاقی دروغ گوئی مصلحتی گاه و بیگاه یا همان «دروغ سفید» نیست، اما انسانی که شیرهی جان او کشیده شده، چه بهره ای می تواند از حقیقت ببرد؟ حقیقت گاهی کارکردی جز در شیشه کردن خون ما ندارد. گاهی شمشیر دو لبه است: دردناک و روشننگر! جالب این جاست که در عین حال انتظار دارم همه، همه چیز را بگویند و اسراری باقی نگذارند حتی اگر موجب رنج و اندوهام شود. این رویکرد ناشی از پیچیدگی های احساسی و نیازهای متضاد، اگرچه خود شکنانه و خود محوره است، مرا در یاری رساندن به دیگران و یاری رساندن به بخشی از وجود خود همراهی می کند. اگر پرسش شما این است که: کدام قسمت؟ پاسخ برای شماست: بخشی از روح خود که

در دیگران می بینم - یک اسلایس از کیک انسانیت مان - بخشی که با دیدن آن در دیگری، از درد دیده نشدن آن در خود ما کاسته می شود. این معنای نهفته در پس پارادوکس انتظار است. هرچه نباشد فراق کنی از ویژه ترین راه های شناخت مردم است. گاهی به پدرم نگاه می کنم و در او انسانی رامی بینم که می خواهد مرا بشناسد، چون غریبه ای که تمنای آشنایی دارد، و چون سایه ای که می خواهد نزدیک تر باشد. اگر تفسیرم از واقعیت درست است، به راستی این ناشناختنی بودن از کجاست؟ و این علامت سوال - متحرک بودن از کجا می آید؟ انگار که یک انگلیسی زبان بخواند فارسی بیاموزد! با اینکه احساس خویشتاوندی، منشاء توهمات بسیاری است، تمام آنچه از آن اطلاع دارم این است که از دید پدرم، پسر خوبی بوده ام! یک پسر خوب بیگانه! هنگامی که کسی می خواهد

مرا بشناسد، پرسش هایی را مطرح می کند و از پاسخ های ام چیزهایی را درمی یابد، اما روشی که خود در پیش می گیرم، سکوت کردن است و شنیدن پرسش های او و نیز تماشای شیاطینی که او در من می جوید، اما در خود او! هم چنین این تکنیک به کار گرفته می شود که با تعریف کردن خاطرات خود و صحبت کردن از گذشته ی خود، طرف مقابل مان را مجاب به مقابله به مثل کنیم، و هنگامی که چنین کرد، به نسبت هایی که در اندیشه ی او میان گذشته ی او و گذشته ی ما وجود دارد دسترسی پیدا کنیم. به پیوندها فکر کنیم و به چرایی بروز و چگونگی کسب معرفت نسبت به آن ها. نکته این است: پرسشگر الزاماً همان کسی نیست که دیگران را بیشتر می شناسد، گاهی آنکه بیشتر سکوت می کند و همه بر روزگار و وضعیت شناختی او اشک می ریزند، بیشتر به ریش همه می خندد.

مردم استان مستحق زندگی در خط فقر نیستند



گلستان در هر جای دیگری از دنیا بود، مردم آن ده برابر وضعیت فعلی رفاه داشتند و مردم این استان شایسته زندگی در فقر نیستند. این نماینده مجلس در ادامه به فقدان زنجیره حمایتی در تولیدات کشاورزی اشاره کرد و اظهار کرد: اگر امروز به بن بست رسیدیم، علتش نبود زنجیره حمایتی است. ما نمی خواهیم بیشتر از حق مان مطالبه کنیم؛ فقط می خواهیم از عوائد محصولات خود منتفع شویم. این شلنی است، اگر زنجیره ارزش را

نماینده مردم مینودشت، آزادشهر و رامیان در مجلس شورای اسلامی گفت: مردم گلستان با وجود تولید محصولات استراتژیک همچنان در فقر زندگی می کنند و این وضعیت زبیده استان زرخیز ما نیست. به گزارش روابط عمومی، جمشید قائم مقام، در نشست فعالان اقتصادی با نمایندگان مجلس که با محوریت بررسی مشکلات استان گلستان برگزار شد، با قدردانی از حضور دغدغه مند نمایندگان در این نشست، آن را معجزه اجتماعی خواند و تأکید کرد: این جمع به خاطر دغدغه معیشت مردم تشکیل شده و امید داریم نتیجه عملی داشته باشد. وی با اشاره به وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم استان گلستان گفت: در استانی که جزو سه رتبه اول تولید بسیاری از محصولات کشاورزی است، زندگی ۴۰ درصد از مردم زیر خط فقر یک علامت سوال بزرگ است. آیا این تقصیر کشاورز، دامدار یا بازرگان گلستانی است؟ یا این که دولت تکلیف خود را با استان روشن نکرده است. قائم مقام با بیان اینکه گلستان از مواهب فراوانی برخوردار است، افزود: اگر

تکمیل کنیم. وی همچنین از عملکرد ناآدلانه برخی قوانین گلایه کرد و گفت: در استان های همجوار قوانین زیر پا گذاشته می شود، اما در گلستان، تنها ما قانون را رعایت می کنیم و قانونی که به نفع مردم نباشد، طاعون است. قائم مقام با تأکید بر اینکه مردم گلستان دین خود را با تولید، ایثار و خون شهدا ادا کرده اند، ادامه داد: ما در مقابل این مردم مسئولیم. اگر نمی توانیم سطح درآمد را بالا ببریم، حداقل دولت سهم خودش را در یارانه های هزینه ای ایفا کند. مردم نباید کارت یارانه شان را گروهی خرید نان کنند. وی با اشاره به اینکه دو نماینده از گلستان در کمیسیون کشاورزی حضور دارند، از دیگر اعضای این کمیسیون خواست برای نجات وضعیت اقتصادی استان تلاش مضاعف کنند و در پایان تصریح کرد: از همکارانم در کمیسیون کشاورزی می خواهم این جلسات را استمرار دهند، چون این گفت وگوها باید به خروجی برسد؛ خروجی ای که حال مردم را بهتر کند.

آگهی های ثبتی

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۳۱۲۰۰۱۰۱۵۲۵۸ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض ۰۹۲۸/۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۰۰۰۰ تقاضای خام طاهره کلاهوز بشماره شناسنامه ۴۴۵ و کد ملی ۰۹۳۷۷۰۲۳۳۴، صادره از مشهد فرزند عباس در شش دانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده که مقدار سه سهم مشاع از ۲۱ سهم شش دانگ عرصه آن وقف است به مساحت ۱۹۸ متر مربع از پلاک شماره ۲۶۷ اصلی واقع در اراضی چینیان بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می شود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۱/۳۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۱۴

جواد پورمند- کفیل اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان- شناسه آگهی ۱۹۱۲۲۰۹

«»

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۳۱۲۰۰۱۰۱۵۲۹۷ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۰۳۷۷۰۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۰۰۰۰ تقاضای آقای جمشید خالصی شیخی بشماره شناسنامه ۱۰۵۷ و کد

ملی ۲۱۲۱۰۳۱۲۷۷ صادره از گرگان فرزند محمدحسین در شش دانگ یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۲۲۶۳۷ متر مربع از پلاک شماره ۱۴۰ اصلی واقع در اراضی مامانی بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می شود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۱/۳۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۱۴

جواد پورمند- کفیل اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان- شناسه آگهی ۱۹۱۳۰۳۳

«»

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۳۱۲۰۰۱۰۱۵۲۴۱ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۰۱۶۴/۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۰۰۰۰۰۰ تقاضای آقای محمدمهدی رفوفیان بشماره شناسنامه ۸۲۱ و شماره ملی ۲۱۲۱۵۵۱۹۱ صادره گرگان فرزند ابراهیم در شش دانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۱۱۰۸۰ متر مربع از پلاک شماره ۶ فرعی از ۲۶۳۳ اصلی واقع در اراضی شهری بخش یک حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از مالک رسمی شهرداری گرگان به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می شود

از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۱/۳۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۱۴

جواد پورمند- کفیل اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان- شناسه آگهی ۱۹۱۳۹۱۵

«»

آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آراء هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان گمیشان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی به شرح ذیل مجرز گردیده لذا مشخصات متقاضی و املاک مورد تقاضا به شرح ذیل به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض برابر مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

۱- خانم بی بی رابعه کر فرزند تاج محمد به شماره شناسنامه ۴۵۹ و کد ملی ۲۵۸۹۳۸۹۰۲۵ صادره از گمیشان مبنی بر صدور سند مالکیت شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۹۸۷،۸۸ متر مربع قسمتی از شش دانگ پلاک ثبتی شماره ۲۳۲۴ فرعی از ۱۰۹۳ - اصلی واقع در اراضی خواجه نفس بخش ۴- حوزه ثبتی شهرستان گمیشان از سهمی آقای حاجی کمک شیخی برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۳۱۲۴۷۰۰۰۰۰۰۰۰ مورخه ۱۴۰۳/۱۱/۱۵ و کلاسه پرونده شماره ۲۱۳-۱۴۰۳

تاریخ انتشار نوبت اول: روز شنبه ۱۴۰۴/۱/۳۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: روز یکشنبه ۱۴۰۴/۲/۱۴

امید اسماعیلی- سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک گمیشان مالف: ۲۵



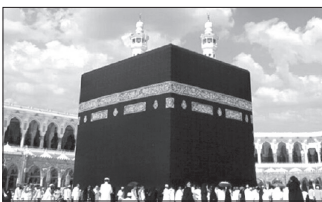
احمد گلچین سرپرست اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان شد



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حکمی احمد گلچین را به عنوان سرپرست اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گلستان منصوب کرد. به گزارش روابط عمومی، در متن حکم سیدعباس صالحی خطاب به احمد گلچین آمده است: نظر به سوابق و تجارب موفق و ارزشمند جناب عالی، به موجب این حکم به عنوان سرپرست اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گلستان منصوب می شوید. امید است با توجه به شرح وظایف وزارت خانه و آن اداره کل در انجام شایسته وظایف و مسئولیت ها موفق و موید باشید. یادآوری می شود، احمد گلچین در کارنامه سالها خدمت در فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان، سابقه معاونت فرهنگی و رسانه ای اداره کل، ریاست اداره هنری و ریاست مجتمع بهارستان و ... را در کارنامه داشته است.

«»

افزایش ۷۰ درصدی سهمیه حجاج گلستانی



مدیرکل حج و زیارت گلستان از افزایش ۷۰ درصدی سهمیه اعزام حجاج گلستانی به سرزمین وحی خبر داد. به گزارش روابط عمومی، سیدعلی میرقاسم پور در همایش متمرکز حجاج شرق گلستان که در مصلی اهل سنت گنبدکاووس و با حضور حجت الاسلام سیدعبدالفتاح نواب سرپرست حجاج ایرانی برگزار شد، با اشاره به افزایش ۷۰ درصدی سهمیه استان اظهار کرد: امسال پنج هزار زائر در قالب ۳۲ کاروان از طریق هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران از اول خردادماه از فرودگاه بین المللی گرگان عازم جده می شوند. مدیر اهل سنت بعثه مقام معظم رهبری نیز در این مراسم از اعزام حدود ۳۵ هزار زائر اهل سنت به حج عمره خبر داد و گفت: این اعزامها از ۲۸ شهریور آغاز شده و تا پایان فروردین ۱۴۰۵ ادامه خواهد داشت. حجت الاسلام اکبری تأکید کرد: ملاک اعزام زائران، تاریخ ثبت نام در فیش های حج است و هیچ سهمیه ای خارج از این چارچوب وجود ندارد. وی افزود: شوق زائران گلستانی برای سفر به حج تمتع و عمره بی نظیر است و تلاش می کنیم سهمیه حج عمره کشور از ۲۰۵ هزار نفر به ۴۵۰ هزار نفر افزایش یابد. حجت الاسلام اکبری با اشاره به ضرورت رعایت قوانین کشور میزبان، گفت: مدیریت دو میلیون زائر در موسم حج کار آسانی نیست و زائران باید به مقررات عربستان پایبند باشند.

گفت پیغمبر که جنت از اله
گر همی خواهی، زکس چیزی مخواه

پیامبر(ص) به یکی از اصحاب فرمود اگر خواهان بهشتی، چیزی از دیگران در خواست نکن. چون نخواهی، من کفیلیم مر تو را جنت الما وی و دیدار خدا

اگر چیزی از دیگری درخواست نکردی، من ضمانت می کنم که به بهشت درآیی و به لقاءالله نایل شوی.

آن صحابی زین کفالت شد عیار تا یکی روزی که گشته بُد سوار

آن صحابی وقتی ضمانت بهشت را از پیامبر (ص) شنید به چنان صفا و خلوصی رسید که روزی سوار بر مرکب خود بود که:

تازیناه از کف ش افتاد راست خود فرود آمد زکس آن را نخواست

تازیناه از دستش صاف و یا راست بر زمین افتاد، همان لحظه از مرکبش پیاده شد و آن را برداشت و به پیادگان نگفت که آن تازیناه را به من بدهید.

آن که از دانش نباید هیچ بُد داند و بی خواهشی خود می دهد

آن خداوندی که بخشش هایش هیچ گزندی به کسی نمی رساند نیاز آدمی را می داند و بدون آنکه شخص برآورده شدن نیاز خود را از کسی درخواست کند. خداوند آن نیاز را برآورد. مصراع دوم این معنی

بهشتیان در کلام مولانا



محمدرضا ایاز

آغاز برداشت گل محمدی از بوستان های گلستان



استان گلستان، با طبیعت بکر و اقلیم منحصر به فرد خود، به یکی از قطب های تولید گل محمدی در ایران تبدیل شده و خاک حاصلخیز، آب و هوای مساعد و حمایت های هدفمند سازمان جهاد کشاورزی، این سرزمین را به بهشتی برای پرورش این گل معطر و ارزشمند بدل کرده است. به گزارش روابط عمومی، برداشت گل محمدی از بوستان های گلستان نه تنها عطر دل انگیز بهار را به ارمغان می آورد، بلکه با ایجاد فرصت های اقتصادی و اشتغال زایی، نویدبخش آینده ای روشن برای کشاورزان منطقه است. مدیر باغبانی سازمان جهاد کشاورزی گلستان از آغاز برداشت گل محمدی در بوستان های استان خبر داد و گفت: این فصل جدید، با شکوفایی ۷۵ هکتار از مزارع گل محمدی، نویدبخش تولید ۸۰ تن گل تر در سال جاری است. نویدرضا فرهانی بیان کرد: این حجم تولید، نشان دهنده رشد چشمگیر صنعت گل محمدی در گلستان و پتانسیل بالای این منطقه برای تبدیل شدن به یکی از مراکز اصلی تولید این محصول استراتژیک است. مزارع

گل محمدی گلستان در مناطق مختلفی از جمله آزادشهر، بلندی های روستای وامنان، کاشیدار، نراب و روستای کرند گنبدکاووس پراکنده اند و این مناطق به دلیل شرایط اقلیمی مناسب و خاک غنی، بهترین مکان برای کشت این گیاه دارویی ارزشمند هستند. فرهانی ادامه داد: در حال حاضر، ۱۰۵ هکتار مزرعه گل محمدی در استان احداث شده که ۷۵ هکتار آن به مرحله باردهی رسیده است. این گسترش، نتیجه برنامه ریزی دقیق و

حمایت های سازمان جهاد کشاورزی از کشاورزان است. وی افزود: چهار دستگاه گلاب گیری سنتی و نیمه صنعتی با ظرفیت ۳۰۵ تن در مناطق کشت گل محمدی فعال هستند و این واحدها نه تنها به حفظ سنت دیرینه گلاب گیری کمک می کنند، بلکه با بهره گیری از فناوری های جدید، کیفیت و بازدهی تولید را افزایش داده اند. گلاب گلستان، با عطر و طعم بی نظیر خود، جایگاه ویژه ای در بازارهای داخلی و حتی بین المللی پیدا کرده است. گل محمدی

کشت گندم، کود اوره را در سه مرحله «پنجه زنی»، «ساقه دهی» و «گلدهی» به صورت سرک مصرف می کنند. به گفته وی، مرحله گلدهی اهمیت ویژه ای در افزایش کیفیت محصول دارد. وی با تأکید بر لزوم محلول پاشی کود در این مرحله گفت: در زمان گلدهی، کود سرک باید به صورت محلول در آب با خاک مزارع گندم مخلوط شود تا اثربخشی بیشتری داشته باشد. محمدی در ادامه خطاب به پیمانکاران تکثیری گندم گفت: نگرانی بابت تأمین کود اوره وجود ندارد. برای این گروه، سهمیه ای مزاد به میزان ۵۰ کیلوگرم در سامانه کنترل و پایش مواد کودی بارگذاری شده است. وی افزود: پیمانکاران می توانند با مراجعه به مراکز خدمات جهاد

کشاورزی شهرستان ها و در صورت موجودی، نسبت به دریافت سهمیه خود اقدام کنند. به گفته سرپرست شرکت خدمات حمایتی کشاورزان گلستان، استفاده از کود اوره در مرحله گلدهی می تواند میزان پروتئین دانه گندم را از ۱۰الی ۱۲ درصد به حدود ۱۴ درصد افزایش دهد. این ارتقا در کیفیت، تأثیر مستقیمی بر ارزش غذایی نهایی نان مصرفی دارد. وی خاطرنشان کرد با توجه به جایگاه نان در سبد خانوار ایرانی، افزایش پروتئین دانه گندم نقش مهمی در تأمین سلامت و پروتئین بدن ایفا می کند. محمدی افزود: در اراضی دیم نیز در صورت بارندگی یا بالا بودن رطوبت هوا، امکان استفاده مؤثر از کود سرک وجود دارد.

مرحله طلایی تغذیه گندم با کود اوره آغاز شد

سرپرست شرکت خدمات حمایتی کشاورزی گلستان گفت: اکنون مزارع گندم استان وارد مرحله گلدهی شده اند که بهره گیری به موقع از کود در این مرحله می تواند کیفیت نهایی محصول را به طور چشمگیری بهبود دهد. به گزارش روابط عمومی، مجید محمدی اظهار کرد: کشاورزان پس از



احسان‌مکتبی

درخت هایمان را به سرخی نشانید

نه با گل های زنبق و سوسن

با قطعه های پریده دشمنانم گویا

من چگونه خوب باشم

در حالی که دوستی با دشمنانم را نیاموخته ام

آن که می خواست بر سروها گل بنشاند

خشم و کینه و حرمان حراج کرده است

ما گویا مردمان مهربانی بوده ایم

این آیا خواب است یا کابوس؟

از متن کتاب / خاک سی و دوم

رمان خاک سرد است نوشته دکتر فیاض زاهد، نویسنده، سیاست پژوه و فعال سیاسی اصلاح طلب است که به وسیله نشر ثالث وارد بازار نشر شده است. رمان چهار صد و چهل صفحه ای که روزگار دو نسل از جوانان پر جوش و خروش بندر پهلوی(انزلی)را روایت کرده است، جوانانی که برای اصلاح جامعه، بر اساس تصورات و توهّمات درست یا نادرست در مبارزه با رژیم پهلوی حاضر بودند و سپس آنها که با جریان انقلاب اسلامی همراه شده بودند به جنگ رفتند، برخی مانده اند و برخی بر سر آرمانهایشان جان داده اند و نویسنده رمان یکی از همان ایده الیست ها و انقلابیون اولیه است که مانده است و کوشیده است در رمان تجربیات و انتخاب های خود و هم نسلانش را بی پیریاه روایت کند، رمان در واقع تبار شناسی انقلاب اسلامی در بندر پهلوی است و نگاهی آسیب شناسانه به انقلاب اسلامی ایران دارد و با بررسی همه زوایای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی انقلاب اسلامی این پرسش را طرح می کند که آیا راه بهتری برای انتخاب بوده است؟ لازم به ذکر است این تحلیل و گفت و گو پیشتر در ششمین شماره کتاب نامه منتشر شده است.

چرا ادبیات؟

هنر و ادبیات برای لذت است، اما تنها لذت نیست که به هنر و ادبیات هویت می دهد، بلکه آنچه لذت را ماندگار می کند فهمی است که در ورای لذت متن به مخاطب انتقال داده می شود. این متن گاه یک نمایش است. گاه یک فیلم است و گاه یک شعر، ولی هر چه که هست متن باید لذت و فهم را توأمان با خود داشته باشد تا بتوان نام اثر هنری بر آن گذاشت و الا نام آن هر چیزی هست جز متنی ادبی و هنری. رمان یک نوع ادبی است که دارای اصول خاصی است، این اصول علاوه بر مهارت ها و تکنیک های نوشتاری شامل طرح مساله، هول و ولّا تردید افکنی و طرح پرسش، گره افکنی، اوج و پی رنگ است. نویسنده باید بتواند چنان سوز را طرح نماید و با ایجاد پرسش، مخاطب را در پی خود بکشاند که مخاطب بعد از آغاز مطالعه، خود را بخشی از ماجرا بداند و با نویسنده در کوچه پس کوچه های رمان همراه شود. اینکه چگونه نویسنده ای بتواند مخاطبان را با خود همراه کند بسته به میزان هول و ولّای داستان و توان نویسنده در ارایه متن دارد. جلای از این همه، باید گفت، رمان متنی است که نویسندگان برای ارسال پیام های متعدد و متنوع در گذر زمان از آن بهره می برند، یک رمان ممکن است از خردسالی شخصیت یا قهرمان داستان آغاز شود و تا سالیهای دور ادامه یابد مانند رمان (خاک سرد است) که رای دو نسل از مبارزات ملت ایران است و کوشیده است جوش و خروش جوانان بندر پهلوی را از ۲۸ مرداد سی و دو تا جنگ تحمیلی هشت ساله و حضور جوانان آن خطه در دفاع مقدس را به قلم آورد و مخاطب گذر عمر و فراز و نشیب زندگی قهرمان ها و شخصیت ها را می بیند و می خواند، گاه با شخصیتها گریه می کند و گاه می خندد با آنها زندگی می کند و همه این اتفاقات در متنی می افتد که توانسته است با بهره برداری از تکنیک های حرفه ای به آفرینشی طبیعی، همه پذیر و خلاقانه برسد.

رمان خلق یک زندگی

برای تولید یک رمان هم باید صاحب طبع لطیف بود و هم صاحب تکنیک نویسندگی، ورای این دو در خلق رمان باید صاحب یک منظومه فکری منسجم نیز بود تا مخاطب در لابلای رمان که به مثابه زندگی است نکته ها را دریابد و تجربیات نویسنده و خوانش او را در گذرهای انتخاب درک کند، به این خاطر وقتی یک روزنامه نگار و نویسنده، در میان سالی و پس از سالها فعالیت سیاسی، اجتماعی و حضور در یک انقلاب و جنگی هشت ساله و فعالیت در احزاب سیاسی یک رمان را خلق می کند، بدیهی است که مخاطب علاوه برعناصر داستان نویسی در رمان آن نویسنده در پی بسیاری از سوالات و کنکاشهای ذهنی نویسنده باشد، مخاطب در پی آن است تا ببیند نویسنده در بزنگاهای انتخاب کلام انتخاب ها را انجام داده است؟ تجربه او از زندگی پر فراز و نشییش چیست؟ توصیه او در سالیهای پختگی برای نسل جوان چیست؟ آیا از آنچه بر او گذشته و از انتخاب های پیشین خود دفاع می کند و یا آن انتخاب ها را به نقد می نشیند و به دنبال اصلاح وضع موجود است؟ مخاطب می خواهد بداند این نویسنده انقلابی سالیهای دور و اصلاح طلب اخیر،، اینک در این پیچ و خم های مدنیت در ایران در کلام سوی انتخاب ایستاده است؟ آیا با همه تجربیات به دنبال انقلاب دیگری است یا انقلابی آن سالها، اکنون یک ضد انقلاب تمام عیار است، این سوالات و پرسش هایی از این دست خواناند رمان خاک سرد است را جذاب تر می کند اما اینجا تنها یک سوی ماجراست. رمان در پنجاه و چهار خاک سامان یافته است هر خاک به مثابه یک قطعه، ساخت رمان را شکل داده است، رمان زندگی جوانان انقلابی بندر پهلوی دیروز و بنادرانلی امروز است که در سالیهای دولت مصلق و کشاکش های آن دوران و کودنای ضد دولت و ... شکل می گیرد، وایتی از تاراش دو نسل برای زندگی و مبارزه است، میل به ساخت زندگی بهتر و چنبره ای از خیال و واقعیت که در آن روزها متصور بود نویسنده آنگاه اساسی ترین پرسش رمان را طرح می کند و می گوید: آیا همه تلاش های انسان برای تحقق آنچه اتفاق افتاد و می توانست بشود ارزش آن همه فداکاری و از خود گذشتگی را داشت؟ و ادامه می دهد: آیا می توان تنها با تکیه بر حقیقت و راستی چنین

گلشن‌مهر

مسیری را پی‌م‌ود؟ آیا هر آنچه آدمی می‌پندارد درست است؟ اینها البته سوالاتی است که می‌توان پاسخ آن را در رمان یافت و انتخاب های گذشته و پیشنهادهای امروز نویسنده را به نقد کشید.

رمان با تصویری جذاب از رینگ بوکس آغاز می‌شود:

خاک شده بود انگاری هیاهو می‌پاشید بر چشم و رویش، نمی‌شنید، میان زمین و آسمان معلق بود، گاه فریادهای مریبان او را به خود می‌آورد و گاه تازیلانه طناب، رینگ سنگین بود، سنگین تر از مشت های حریف میدان دیده به سینه دیوار طناب، پد نای ایستادن نداشت. (بند آغازین کتاب)
رمان خاک سرد است با این روایت، می‌خواهد راوی جدال هایی باشد که بعدها در جامعه ایرانی اتفاق می‌افتد به این خاطر به نظر می‌آید نویسنده به لحاظ نشانه شناسی آغاز مناسبی را در نظر گرفته است.

شخصیت های رمان

داستان در بین شخصیت‌های متفاوتی دست به دست می‌شود. سیامک کارگری در یک کارگاه، هوشنگ جوانی است که اعتقاتی به قید و بندلی های مذهبی ندارد. محمد، یک مسلمان سنتی است، افشین جوانی از خانواده یک صیاد با فرزندان بسیار که در فقر و فاقه زسته است، افسانه نماد یک دختر شهری طبقه متوسط و فرزند یک افسر ارتش شاهنشاهی و مریم که دختری است سختی کشیده نماینده طبقه کارگر که مسوول نوشتن جزوه های حزب توده است و همه آنها در حال فرو رفتن در سیاست هستند. سیاستی از جنس سمپاتی حزب توده و اندیشه های مارکسیستی در سالیهای سقوط دکتر مصلق و جوش و خروش های احزاب ملی و چپ در ایران که قهرمان ها یا شخصیت های رمان را شکل داده اند، در کنار اینها شخصیت‌های دیگری هم به رمان ملحق شده اند. ازدر کارگر نجاری که مشت‌ی و صاف و ساده است، محمد کرناکرت که یک لوطی با مرام است، ابرام لیچ که صاحب یک روسپی خانه است و از سویی، لائی است که برای حکومت مانند شعبان بی‌ مخ معروف پادویی می‌کند یا خسرو که پسر ارباب است و در گوشه ای زندگی خود را می‌گذراند و با هوشنگ دوستی دیرینه دارد. رویتهای بین این شخصیتها در سیلان است و آنها داستان را خلق می‌کنند.

رمانی برای بندر پهلوی

خاک سرد است، یک داستان محلی است با پیامی جهانی و انسانی، نویسنده در بندر پهلوی نشسته است و پیام های جهانی و انسانی خود را مخابره می‌کند. نمونه ای از این پیام ها را می‌توان در لابلای تصویرسازی ها و گزارش های رمان پیدا کرد. خاک سرد است معرفی فرهنگ مردم شمال کشور یا به تعبیر دقیق تر بندرپهلوی آن زمان و بندر انزلی امروز است که مملو از اصطلاحات، کلمات، خوراکی ها، ضرب المثل ها و مطالبی که به متن هویت فرهنگی داده است مثلاً پهلوی مهد فوتبال شمال بود همه آرزو داشتند روزی بتوانند در ملوان بازی کنند، تیمی که چند سالی بود با حمایت نیروی دریایی، برای شهر و مردهش هویتی دیگر رقم زده بود. (خاک دوم، ص ۱۲) و یا کلماتی مانند: اسکمور نوعی بستنی یخی گیلائی) کشتا (نان های سنتی گیلائی) سیاهمرگی (نوعی پنیر از شیر بز از روستایی به همین نام در گیلائی) یا محلاتی مانند آبکار، قلم گوده، قارویر، بشمن، غازیان و...یا نام حیواناتی مانند اردک سیته، خوتکا که نویسنده از آنها بهره برده و غذاهایی مانند باقالا قاتوق، ترش تره، ماهی دودی است. نویسنده درکنار تبیین چرخشهای فکری و معرفتی خویش، آگاهانه می‌کوشد آداب و سنن آن خطه از ایران را نیز به شرح و بسط بنشیند و با تصویرسازی های خاص بندر پهلوی است، آنجا را معرفی کند -حم گرم دریا مانند کرباسی که در آب فرو برده باشند- کشیده می‌شود روی سر بندر، نفس شهر تنگ می‌شود تا غروب که خورشید فرو می‌رود میان سبزی نیزار و حریر موج و سوره‌ای می‌مرابد. از تمام پهلوی □ازطالب آباد تا بشمن- فقط یک بو بر می‌خیزد بوی زهم ماهی- (خاک دوم /ص ۱۳) و یا ثر موزونی که نشان از طبع لطیف نویسنده دارد: -این زنبیل ها از نی و نال مرذب ساخته می‌شد. (خاک دوم /ص ۱۳) و - در کوچه از روی دیوار خانه ها گل ها و پیچک های آویخته بودند گل های کاغذی که به رنگ صورتی و سفید رخ افشانی می‌کردند و به شهر تشخیص می‌دادند (خاک دوم/ ص ۱۵)

بنیان های اندیشگی رمان

اما مهمترین بنیانی که رمان بر آن شکل گرفته است را باید دغدغه ها و چالش های اندیشگی و معرفتی نویسنده دانست که می‌کوشد در جلی جای رمان آنها را طرح کرده و به بحث و نقد بگذارد. مثلاً در خاک هشتم در گفت و گویی بین خسرو و هوشنگ آن را به زبان می‌آورد آنجا که هوشنگ انقلابی جوان به خسرو می‌گوید: (با خودم می‌گم این شب تاریک که از راه برسه چادری روی همه درها و واهمه های من می‌کشه، اما این فکر نمی‌ذره شب ها سر به بالین بذارم، گاهی از خودم می‌پرسم کاری که ما کردیم و راهی که شروع کردیم درسته یا نه؟ گاهی نگران... (X خاک هشتم / ص ۵۷) مساله درستی یا نادرستی، ارزشن یا نیرزدین و... دغدغه اصلی نویسنده است که در طول رمان در جریان است و نویسنده در بهانه های مختلف آنها را ابراز می‌کند نگران از انتخاب ها و تلاش هایش و این پرسش همیشگی که آیا مسیر را درست انتخاب کرده است؟ همین اندیشه ایده الیستی را در خاک پنجم و در ببانیه حزب توده نیز آورده بود آنجا که می‌گوید: دوران شخصیت های کنهسال باانگرش فتودالیت به سرآمده،اینک بایدباتکیه به مرانمانه های حزبی و مانیفست حقیقی در جوامعی مانند ایران با استبداد و امپریالیسم مبارزه کرد(خاک پنجم/ص ۳۷) اما اوج این جدال بین ایده الیسم و واقع گرای، بین انقلاب یا اصلاح، بین رالیکیالیسم یا محافظه کاری و بین نیت و روش را در خاک نهم می‌توان دید، آنجا که هوشنگ غرق در توهمهای روشنفکرانه برای افسانه از دنیای همچون بهشت سوسیالیزم می‌گوید: این کارگرها و ملوان ها شایسته زندگی بهتری هستند؟ از خودم می‌پرسم این ها تا کی باید از زور بازو مایه بذارن و تمام جوونی شون را به چای آدم ها و جاهایی ببرزن که فقط ازشون استفاده می‌شه، نمی‌شه چجان بهتری را برای اون ها فراهم کرد؟ پدرم می‌گوید که این کشورهای اروپایی خیلی وضع کارگراشوئن با ما متفاوت اون جا از حائلق امکانات و بیمه و خدمات اجتماعی برخوردارن. همیشه فکر می‌کنم وضع کارگرها در بهشت سوسیالیسم بهتره. جایی که کارگرها قدرت اعمال اراده در سر نوشتشون رو دارن، بهشت موعودی که حاصل آرزوهای روشنفکرها، اراده فعلاان سیاسی عمل گرا و قدرت افکین رولتاریاست، اما افسانه گویا چندان باوری به این رویاها ندارد و با تردید و پرسش می‌پرسد: فکر نمی‌کنی بشر برای امید به آینده به آرمانشهری نیاز داره تا پرای رسیدن به اون تاراش کنه؟ نکنه این چیزی که تو میگی سرایی بیش نباشه ؟ و... می‌دونم من از چی می‌ترسم ؟ ما همیشه تو ذهنمون دنبال نداشتن هاییم، آدم ها دوست دارن تو خیالانشون بعضی چیزها را اون طور که هست تصور کنن، همیشه یاد گرفته ام که تردید کنم به رویاهای انسانی، چرا که رویا در غیاب واقعیت شکل می‌گیرد) کاملاً آشکار است که این جدال بین رویا و واقعیت، جدال بین آنچه هست با آنچه که باید باشد را، نویسنده بسط داده است (خاک نهم/ ص ۱۰) اندیشه هایی که افسانه در جدال با هوشنگ طرح می‌کند دقیقاً دغدغه هایی است که همه خرمندان به دور از احساسات با آن درگیرند. افسانه می‌گوید: هوشنگ عزیز من از تأثیر عناصر اقتصادی و خاستگاه طبقاتی بری نیستم؟ اما فکر نمی‌کنی

آتشی که به خ

نگاهی به رمان خاک



رمان خاک سرد است با

راوی جدال هایی باشد که بعدها در ج

به نظر می‌آید نویسن

آغاز مناسبی را در

که رهبرائی که دغدغه نان شب ندارند بهتر از آن هایی که دغدغه نان غم دورانشان بوده

بهتر بتونن به مردم کمک کنن؛ می‌دونی به باور من تا زمانی که مصلح و رهبری دغدغه نان داشته باشد هیچگاه نمی‌تونه افق دورتری را ببینه؛ به زندگی همه پیامبران و حکمایی که مثل بودا و کنفوسیوس می‌شناسیم نگاه کن. همین پیامبر اسلام مگه از قریش نیومده مگه بنی هاشم یکی از ثروتمندترین قبیله های مکه نبوده ؟... (خاک نهم/ ص ۱۱)
نویسنده برای رد نظریه انقلاب و تغییر رالیکال می‌گوید آنکه در راس حکمرانی است دست کم پس از مدتی به این فکر می‌افتد که به امورات شهروندان رسیدگی نماید اما آنکه تازه وارد است تا جیب خود و اطرافیانش را پر نکند، به یاد شهروندان نخواهد افتاد. پرسش های افسانه سوالاتی است که هر واقع گرای بی طرفی می‌تواند آنها را طرح کند، اما فقط انسان های ایده الیست می‌توانند با پاسخ های متوهمانه و خیال انگیز، دل خود را به شهری چون بهشت و مدینه ای فاضله آن هم در سراب ایدئولوژی های قرن نوزدهمی غرق کنند. هوشنگ اما در پاسخ دوستش خسرو و پس از کوتاهی ۲۸ مرداد می‌گوید: ما چقدر خوش خیال بودیم؛ جوری مسایل را دنبال می‌کردیم که انگار می‌تونیم حرکت جهان را به دست بگیریم.(خاک نهم، ص ۱۶)
و این دقیقاً اعتراف متوهمی است که از واقعیت؛ فرسنگ ها فاصله داشته است و اینک به مرحله به چالش کشیدن خود رسیده است و خوشتن را به پرسش می‌گیرد :که چی شد فیلسوف مگر خودت نبوتی که می‌گفتی تاریخ به جلو خواهد رفته؟ بسان ارایه ای هولناک و هیچ کس را توان مقابله با آن نخواهد بود؟ (خاک نهم /ص ۱۶)
به راستی نیز برخی ابهام ها و پرسش ها هست که تا انسانی در کش و قوس زندگی خود را صیقلی ندهند نمی‌تواند به آنها پاسخ گوید و اینک هوشنگ که شیفته افسانه نیز هست دریکی از همان بزنگاهها گرفتار شده است و در خود به پرسش های اساسی زندگی می‌اندیشد و اینک نویسنده از زبان درشکه ای که هوشنگ سوار بر آن رو به ناکجا آباد سرنوشت می‌رود، می‌گوید: آئی آدم ها، می‌دانید ما را به کدامین جاده های بی انتها و بی هدف رانده اید؟هیچ می‌دانید چند اسب و قاطر بر این درشکه گمارده اند و همه آن ها عمر خود را در این راه نهاده اند و رفته اند؟ ولی ما هنوز در حال چرخیدنیم. کاش این همه رفتن و رفتن را سر انجایی بود. کاش از این نقطه که حرکت می‌کنیم به مقصدی می‌رسیدیم، هوشنگ همه این نواها را

ماکستر نوشت

سرد اثر فیاض زاهد



این روایت، می خواهد

جامعه ایرانی اتفاق می افتد به این خاطر

و به لحاظ نشانه شناسی

نظر گرفته است.

می شنید و.... هوشنگ در درون خود به آنها پاسخ می داد که:ای چرخ های بی نوا که نمی

داند برای چه هدفی به گردش در آمده اید در این جهان هیچکس نمی داند که با چه هدفی گردش می کنیم، مثلا چرا ما انسانها از صبح تا شب و از شب تا صبح سگ دو می زنیم ؟که چه به دست آوریم؟ چه کسانی بوده اند و اینک رفته اند؟ای چرخ های زهور در رفته، چرا از اسب ها و استران سخن می گوید؟ بباید از اصغرها و اکبرها و غلامحسین هایی که همه عمر خود را بر این درشکه ها سپری کرده اند حرف بزنیم آنها نیز مانند شما در جاده های بی انتهایی رنج و زحمت و بیگاری بوده اند.....عده زبانی را به مقصد رسانده اید این هدف مهمی در زندگی شملت، در حالی که اگر همه هویت و معنای زندگی این رنج دیدگان آن باشد که کسانی را به مقصد برسانند و بارهایی را جابجا کنند معنای زندگی خودشان چه می شود ؟این که تنها مانند این استران و حیوانات بارکشند و به دیگران خدمت می کنند ؟ این نجوهایبی بود که هوشنگ در درون خود می شنید و با خود واگویه می کرد.(خاک هم/ ص ۷۳) این سوالات فلسفی که همواره روح و جان همه متفکران را در خود گرفته است اینکه به جان هوشنگ نیز افتاده است و نویسنده از زبان او دغدغه هایش را فریاد می زند، از کجا آمده است و آمدنش بهر چه بود و به کجا می رود و... دغدغه ای به بلندی تاریخ فرهنگی و اندیشه ای انسان. اینها البته بخشی از ماجراست و اما بخش دیگر شهامت روبرو شدن با خوشن خوش پس از کنار گذاشتن آویزه های ظاهری است آنجا که هوشنگ صادقانه با حقیقت روبرو می شود و آن اینکه غرض این قهرمان خلق از حضور در حزب علیرغم علاقه اش به خلق و کارگران،دلبستگی و عشقش به افسانه نیز بوده است،حقیقتی که تنها خودمی دانسته و پس و یاد آوری این نکته ظریف به مخاطبان است که در گذرگاههای سیاسی و اجتماعی نباید همیشه به چشمان خود اعتماد کنند،شاید اصل واقعه،داستان دیگری باشد.اما در میان اندیشه های مختلف فلسفی که رمان ارائه می دهد شاید دلنشین ترین خاک،خاک یازدهم و داستان شیدایی یک خانواده کوچک است، شرح زندگی خانوادگی افسانه،فرزند سروان نیروی دریایی سیاوش نیکمن است،روایتی که اگر چه عاشقانه آغاز می شود اما در نهایت به ترازئی ختم می شود و نقد زیرکانه رمان به تندروی های ابتدای انقلاب و حضور نفوذی هایی که به نام انقلاب به دنبال خواسته های خوش بودند افسانه پس از بازداشت پدر کمی به فرودهای زندگی فرو می رود» در تمام این سالها پدرش بر این حقیقت تاکید داشت که هیچ گاه خود را به دام

خوش خیالی و توهم نسپارد افسانه فقط و فقط به یک چیز فکر می کرد راستی قراره چه اتفاقی بیفته؟سرنوشت کشور چی میشه؟واقعا این همه شور و شوق و شعارها و فداکاری ها به پایان رسیده؟(خاک یازدهم /ص ۸۱)
رمان از خاک چهاردهم وارد فضای اسلام سیاسی و اجتماعی می شود و می کوشد شخصیتی به نام حاج آقا رحمانی را نماینده اسلامی معرفی کند که در آن دوران در میان مردم شایع بود اسلامی رحمانی مبتنی بر دوستی و اراحت به شهروندان و سخنانی از آسمان و همراهی با انسان های شریف، آخوندی که با آنها ماهیگیری می کند،فوتبال بازی می کند و از اسلام به عنوان روشی برای زندگی بهتر نام می برد روشی که سعادت دنیا و آخرت را دارد به دور از بی عدالتی و تبعیض رحمانی به جوانها می گفت:دین موجب دوری شما از گناه می شود،اگر دیندار باشید وضع مالی اتان هم خوب می شود زود زن می گیرید. اصلا به آدم نماز خوان زودتر و بهتر زن می دهند، زودتر تشکیل خانواده می دهد و سر و سامان می گیرد.او می گفت اسلام با ربا مخالف است و اگر روزی اسلام در جهان پیاده شود مردم مجبور نیستند تن به ربا بهند (خاک شانزدهم /ص ۱۱۴)
علی و کامی و سیامک سه جوانی که مثل همه جوانهای آن زمان زندگی خوش و ساده ای دارند و با دغدغه هایی از جنس زمان خودشان زندگی می کنند یکی مذهبی تر است و دیگری بی خیال تر، کامی از آنچه که الوائی و عرق خوری و بی غیرتی برخی در کنار درست عصبانی است ولی سیامک و علی از او می خواهند بی خیال باشد و سخت نگیرد (خاک چهاردهم /ص ۱۰۳)
در کنار اسلام سیاسی،گفتمان رقیبی نیز بود که در اندیشه های چپ و دیدگاههای مارکسیستی نمود داشت و نماد آن در رمان، معلمی است که می کوشد دیدگاههای اسلام سیاسی را به نقد بکشد او می گوید:اگر دین بتونه فلسفه زندگی و مبارزه برای زندگی بهتر انسان ها، مبارزه با فقر، جهالت و خرافات را سامان بدهمن باهانش مشکلی ندارد اما به عنوان یک معلم آنچه از دین در تاریخ بشر دیدم در گذر زمان به دکائی برای استعمار خلاق تبدیل شدند. (خاک پانزدهم/ ص ۱۱۰)و طرح مباحثی که در زمان خود رواج داشت و این پیش بینی حاج آقا رحمانی در نقد وضعیت عمومی آن دوران که: پاییز و زمستان مساجد و دیانت است، انشاله بهار و تابستان آن هم از راه خواهد رسید.(خاک پانزدهم/ ص ۱۱۱).
البته برخی نیز از بزرگسالان به روحانی اعتراض داشتند که از سر شکم سیری سخن می گوید. معتقد بودند مردم دارند زندگی خود را می کنند و با این حرفها زندگی مردم را خراب نکنید و تازه کی گفته آخوند می تونه مملکت داری کنه؟(خاک شانزدهم /ص ۱۱۷)
اما حاج آقا رحمانی می گفت: چه کسی گفته روحانیت می خواهد حکومت کند یا در امور جاری سیاسی مداخله کند؟ حکومت اسلامی تنها در دستان معصوم است، آیه اله خمینی قصد پادشاهی ندارد، بلکه می خواهد به ملت ایران کمک کند تا از دست ظلم و استعمار خلاص شوند، ضمنا کار روحانیت اصلاح و نصیحت حکومت است (خاک شانزدهم /ص ۱۱۷)
این سخنان در وقت خود هم نقلهایی به همراه داشت، اما مساله موجی بود که برخاسته بود و نویسنده خود نیز از بخشی از همین امواج بود و بعد انقلابی که طومار استبداد را در هم پیچید و جوانانی که در هوای آزادی و معنویت در آن حضور داشتند.
رمان می کوشد هم زمان شرح این اختلاف نظرها، داستان را نیز پیش ببرد و نگذارد پی رنگ رمان کم رمق شود، پرسش و پاسخ های جوانان از همدیگر درباره اتفاقاتی مانند آتش سوزی سینما رکس ابادان، دستگیری دوستان افسانه و پیروزی انقلاب را در بر می گیرد ولی در همه آنها این پرسش های مستمر و مداوم نویسنده در دهان شخصتهای داستان تکرار می شود، که آیا راه درست این است یا می شد بدون خشونت و درگیری و بدون هزینه های اضافی و مرگ و کشتار به این مقصد رسید ؟
آیا ما راه درستی را برگزیدیم؟ آیا انتخاب آرمان در برابر عشق، انتخاب درستی است (خاک بیست و چهارم/ص ۱۷۴)
آیا انسانی که نمی تواند و نباید عاشق شود می تواند راه درستی را به دیگران نشان دهد؟ در تضاد بین ایده آل ها، حقیقت ها، رویاها با دنیای واقعیت باید در کدام سو ایستاد؟ این پرسش ها آنگار اساسی است که هوشنگ هم به عنوان تئوری پرزرا داستان به دانسته های خود شک کرده است، مثلا درباره خشونت می گوید: خشونت چرخه توحش را تشدید می کنه، اون ها اعدام می کنن، شما در انتقام اون ها را ترور می کنید و اون ها دوباره از بین شما اعدام می کنن، این چرخه به کجا ختم میشه ؟که قراره عدالت را محقق کنیم باید برای همه مردم امکان تحقق این فضیلت را فراهم کنیم، اما عدالتی که از طریق لوله تفنگ محقق بشه، با لوله توپ منقرض میشه.(خاک بیست و پنجم / ص ۱۹۶)
و دقیقا به نتیجه ای می رسد که گویا نویسنده خود از پس سالها به همان مسیر رفته است هوشنگ می گوید: من می خواهم به کار فرهنگی برگردم می خوام کار علمی، اجتماعی را ادامه بدم من بین سه راهی سیاستمدار و چریک و روشنفکر می خوام سومی باشم. اگر قراره جامعه مطلوبی بسازم باید دانش آموزان درستی را تربیت کنیم.(خاک بیست و پنجم /ص ۱۹۶)
رمان پیش می رود و سمپات های حزب توده همگی دستگیر می شوند، هوشنگ در زبان کشته می شود و دیگران به حبس، تا انقلاب اوج می گیرد و روحانیون میدان دار شعارها می شوند.
رمان گزارشی نیز از خواسته های ابتدای انقلاب در خاک سی ام به نقل از حاج آقا رحمانی و انقلابیون اولیه آورده است،اینکه الملک ببقی مع الکفر و لایبقی مع الظلم /دین ما دین حریت و عدالت و قسط است/ مردم ما نباید مالیات بهند / ما می توانیم با پول خمس و زکات کشور را اداره کنیم /لازم نیست پول آب و برق بدهیم و سخنانی از این دست نشان از ذهنیت عامه انقلابیون در آن دوران دارد و نویسنده در حال ارائه گزارشی صادقانه از باورهای نسل اول انقلاب به شهروندان امروز است.
هر چند در همان هنگامه نیز برخی از خود می پرسیند: زندانی ها آزاد شدند اما آیا زنان ها خالی باقی ماندند؟ (خاک سی و یکم/ ص ۲۳۶)
بعد داستان پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ، خونریزی و اعزام به جنگ و شهادت و ... رمان خاک سرد است نگاه می آید،واقعی به اتفاقات و حوادث نزدیک به هشتاد سال اخیر ایران و نسلی که از ایده ایسم به رئالیسم و از رادیکالیسم به محافظه کاری، از حقیقت به واقعیت و از خیال پردازی به عقلانیت رسید.
خاک سرد است اگر چه در فرم دچار اشکالاتی مانند پراکندگی شخصیت هاست و مخاطب را سر درگم می کند و به این خاطر نمی تواند شخصیت ها را به گونه ای کامل در متن جا بیندازد اما دارای پی رنگی است که مخاطب را اگر نه پرشتاب اما به هر حال تا انتهای رمان با خود همراه نگاه می دارد،خاک سرد است اما بنیان اندیشگی بسیار محکمی دارد که می تواند سیر اندیشه سیاسی دو نسل را با آرایش برای مخاطب که شاید نسلی باشد که هیچ تجربه ای از انقلاب جنگ، شعارها و ایده های جوانان آن روزگار ندارد را شرح و توضیح دهد.
در نهایت فیاض زاهد نشان داد که می تواند بسیاری از دیدگاهها و اندیشه هایش را در ژانری به نام رمان برای مخاطب بازگو کند.
شاید او به آرزوی خود رسیده است و آنگونه که خود در خاک سرد است می گوید:از میان سیاستمدار ، چریک و روشنفکر، سومی را برای ایفای نقش در اجتماع برگزیده باشد. نکته دیگر آنکه نویسنده رمان باید با پردازش حقایق و با هر تکنیکی که می تواند زمینه را برای همراهی مخاطبان فراهم نماید،و در این میان همواره اصل ارتقا را برای مخاطب خود محفوظ بدارد و هیچگاه فرم را فدای اندیشه و مفهوم را فدای فرم نکند و الا در گیر و دار فرم و مفهوم در خواهد ماند.

خاک سرد است

تجربه یک زندگی

مخاطب رمان خاک سرد است، در پایان در می یابد که نویسنده کوشیده است راوی صادقی برای حدود پنجاه سال از تاریخ ایران باشد، روایت دو یا سه نسل که از حال و هوای حزب توده و فعالیتهای مارکسیستی آغاز می شود و با کودتای ۲۸ مرداد و سقوط مصطفی و در ادامه فراز و نشیبهای جامعه ایرانی و انقلاب اسلامی ادامه می یابد و با دفاع مقدس استمرار

کشمش

پیدا کرده است و رمان سیر تطور و تغییر شخصیتهای اجتماعی و سیاسی این سالهاست، بنیاد گرابانی که واقع گرا شدند، ایده آلیستهایی که به واقعیت تن دادند و حضرتعالی نماینده و راوی آنها، آیا چنین فهمی را به عنوان نویسنده از یک مخاطب می پذیرند؟
ـاز لطف شما برای توجه به رمان« **خاک سرد است**» سپاسگزارم. من تا پنج سال پیش از نگارش این رمان حتی تصور هم نمی کردم که روزی داستان بنویسم. همه دانش من از رمان و ادبیات داستانی به تجربه های دوره نوجوانی و جوانی و بعدا در دوره دانشجویی به رمان هایی بود که بیشتر البته در حوزه کلاسیک خوانده بودم. من حتی نمی توانم ادعا کنم که با نویسندگان جدید و آثارشان آشنایی دقیقی دارم. شاید به عنوان یک نویسنده در حوزه تخصصی یا به عنوان یک استاد دانشگاه و روزنامه نگار، سطح آگاهی افزون تری به هم نسالما یا برخی از همکارانم داشته باشم، اما حتما قابل مقایسه با نویسندگان حرفه ای که تجربه زیسته ای در این حوزه دارند نیستم. با این حال می داند که نوشتن در حوزه مطبوعات یا نگارش در حوزه تخصصی تاریخ و جامعه شناسی تا حدی این توان را به من داده بود. اما مطلقا آملدگی ذهنی یا اراده ای برای این مهم نداشتم. روزی که از زندان آزاد شدم و دوستی به من پیشنهاد نوشتن رمان داد خندیدم! اما گویا در فرآینای ذهنم این موضوع ریشه دوانده بود. سالها بعد تصمیم گرفتم قصه نسل خودم را بنویسم.اینکه بر ما چه رفت؟ چه درکی از زمانه داشته ایم؟ تفسیر ما از نهایت و غایت اعتدای انسانی چیست؟ اینک می می شود از طریق انقلاب به ارزش های والاّی اخلاقی و معرفتی دست یافت یا خیر. برای این کار الگویی در ذهنم بود. زندگی سیامک اختراکویان، او که در کنار من به شهادت رسیده بود. از سویی ویژگی های جالب دلت، خوش و پدرش بوکسورهای حرفه ای بودند. چچه بلند پهلوی بود. عاشقی کرده بود و بعنوان یک قهرمان ملی در آزادسازی خرمشهر به شهادت رسیده بود. داستان را با او شروع کردم. اما زود دریافتم خوب است به پدرش ژدر هم بپردازم. او همه خصایص نگارش یک ملودرام را داشت. اما از قبل مسیر را نمی دانستم. هر روز یا گاهی پس از هر ماه(گاه امکان نوشتن نداشتم) وقتی می نوشتم دریافتم باید بین خیال و قصه و رویداد واقعی پیوند برقرار کنم. لذا هفتاد درصد رمان قصه ای است که خلق شده و سی درصد آن واقعیتی است که من از آن آگاه بودم. بدیهی است بعنوان یک فعال سیاسی، سیاست و دغدغه زیست آرمان خواهانه اجتماعی بر قصه سیطره داشت. لذا این برداشت که قصه بازتابی از دغدغه نویسنده هم هست و انعکاسی از تجربه زیسته اوست. پس برداشت خوانندگان می تواند درست باشد.

رمان خاک سرد سراسر در جدال می گذرد جدال عشق با عقل، صلح با جنگ، فقه با اخلاق، عدالت با برابری و همه این جدال ها و درگیری ها ریشه های فلسفی دارد، به همین خاطر شما به عنوان نویسنده بخش هایی از رمان را به شرح و بسط نگاهی فلسفی اتان اختصاص داده اید پرسش این است در میان این همه جدال جنباعالی اکنون در کجای تاریخ معرفتی خودتان ایستاده اید؟و به عنوان یک نویسنده و پژوهشگر که شنیده ه های ما را زندگی کرده اید چه توصیه ای به نسل جوان و نوجوان امروز دارید؟
آدمی عصاره زندگی رخ داده و تجربه پشت سر نهاده است. در واقعیت نمی توان به هیچ جوینده جوانی گفت که «ببینا» از فهم من تبعیت کن. من جهان را زیسته ام. راه بهتر این است! چنین رهنمود پیامبرانه ای هیچگاه رخ نمی دهد. اما کاش راه رفته دیگران را جلای تلقی کنند. میراث بشری زنجیره ای هم پیوسته است. انسان ها در ناخودگاه متاثر از راه رفته دیگران هستند. چون راه رفته بر همه ارکان زندگی شان سایه می اندازد. ارزش میراث و تجربه تاریخی به همین است. ما در یک جبر تاریخی گرفتاریم. از آن رهایی نداریم. تصمیمات دیگران بر زندگی ما تأثیر می گذارد. برخی از رهپایان این عینی تر است. شاید نسل جدید با آنها در ستیز باشد. مثلا شاید نسل جدید برای علاقه ما در گذشته احترامی قائل نباشد. شاید به اندازه ما که به شعر و فلسفه دلبسته بوده ایم چنین وابستگی نداشته باشد. (این انکار جملات اول من نیست) هر چند معتقدم باید راهی پیدا کنیم که آنها راه رفته ما را نه بعنوان یک دستورالعمل زندگی- چون بعید است ما را شایسته آن مقام بدانند- بلکه از این منظر که هم اشتباهات ما را نکنند و هم مشکل فقدان تداوم تاریخی را که از مشکلات اساسی فرهنگی-تاریخی ماست را تاوم نبخشند.

رمان را با یاد شهید سیامک اختر کاویان ودوستان میهن پرستان در فتح خرمشهر آغاز کرده اید و در آن کوشیده اید، راوی خاطرات این انسانهای فداکار باشید. اگر مایلید نام بخشی از این رزمندگان شهید را که شما در انقلاب با آنها همراه بوده اید و در دفاع مقدس با آنها همرزم بوده اید برای ما و مخاطبان یاد آوری کنید؟
من افتخار آن را داشته ام که در کنار زندان پاک و بزرگ ایران در طول دوران جنگ ۸ ساله جنگیده ام. از گذشته ام این تنها دوره ای است که به آن افتخار می کنم.نه‌های بزرگی در خاطرم هست که شاید بسیاری از آنها برای مرد گیلان آشنا باشند. از علی گلستانی، محمود قلی پور، ابراهیم رضوانی، محمود موافق، برداران ربانی، مهرداد دانشی، یدالله صبور، محمد فلاحتی،سپروس فتحی پور،علی پیشوایی، محمد شریفی..... این لیست خیلی بلندبالاست. نام همه را هم نمی توانم بیان کنم یا به خاطر آورم. اما آنها رویاها و آرمان هایی بزرگ داشتند. اصولا از هر فرقه و دسته و باوری، باید به کسانی که برای باوهایشان جنگیده اند احترام گذاشت.

رمان در کنار بحث های مفهومی و سیاسی تلاش دارد ازحال و هوای جغرافیایی و ادبیات و زبان خطه گیلان و انزلی و مناطق آن حوالی بهره ببرد و به گونه ای راوی ادبیات گیلان باشد ، آیا چنین رویکردی را در افزایش غنای ادبیات ایران زمین و فریه کردن ادبیات اقوام و گویش ها و لهجه های ارش می دانید؟
خب بستر زندگی سیامک دوستاش در بندر انزلی بود. من هم اهل رشت هستم. در جوانی ملت کوتاهی در انزلی زندگی کردم. اما برای نوشتن رمان یک سال و نیم به تحقیق در باره انزلی پرداختم. تمام شخصیت ها و مکان ها، تاریخ رویدادها، اسم کوچه ها ماشین هایی که مردم در دهه سی و چهل استفاده می کردند. نوع و گسترده مرداب، محیط کپورچال و آبکنار، چه زمانی برق و آب شهری آمده بود. سینماها و مراکز تفریحی، جاهای خاص مشروب فروشی و میکده ها، پلاک های مشهور، رویدادهای ورزشی و هنری، وضعیت آب و هوا در هر ماه و دهها موضوع دیگر. با اعضای حزب توده، بوکسورها، صیادها، فوتبالیست ها، کماندوها، اعضای قدیم سپاه، صاحبان مشاغل خاص(تانه های رایج زمانه.....گفتگو کردم. تقریبا آنچه در کتاب می بینید دقیق نوشته شده است. یکی از طرفداران رمان در جلسه نقلی به من گفت پس از خواندن رمان رفته آبکنار در قهوه خانه برای روستاییان بخش های رویداد در آبکنار را خوانده. آنگاه پرسید:این فضاسازی درست بوده؟ آنها پاسخ داده بودند:هرکه اینها را نوشته حتما در آبکنار بزرگ شده است. برخی از تمثیل ها در نتیجه شنیده های من در طول سالها شکل گرفته بود. بتدریج یافتم که نویسنده راوی قصه های دیگران است. چه بسا راوی قصه های خودش یا محیطش باشد. من خوشحالم که برخی از منتقدین چون احمد غلامی نوشته بودند: احمد محمود جنوب را وارد ادبیات ایران کرد و فیاض زاهد شمال را من به هیچوجه خود را با محمود مقایسه نمی کنم. اما فولکلور و فضای گیلان کاملا تصویر شده است.

صاحب امتیاز روزنامه

صدای مخاطبان

شناختم. از راست قامتان و روسفیدان حرفه پزشکی بودند.

بقول پروین اعتصامی:

هر که باشی و ز هر جا برسی

آخرین منزل هستی؛ این است

خرم آنکس که در این محنت گاه

خاطری را سبب تسکین است.

و این شادروان؛ بسیار سبب تسکین خاطرها بوده اند

روحشان شاد و یاشان گرمی باد.

مرگ بر زندگی سایه انداخته

احساس می کنم دچار افسردگی ملی شلیم

بهاری نیست در تقدیر ما جز حسرتش، ای داد

زمستان می کشد ما را نمی بینیم عیش را

قفس باقیمست، پژمرد عاقبت رویی آزادی

گرفت از این قبيله تلخ کامی ها امیدش را

ع ا کیانی

جاودانه اند تا همیشه دکتر مسکوب، دکتر فلسفی و

دکتر هاشم موسوی

روحش شاد. دکتر موسوی انسان شریفی بود و تا توان

داشت درکنار مردم و مردمی بودن را در ذات داشت. بهشت

جایگاه ابدیتش باد.

گلستان بهشت گردشگری روستایی



روستاهای قشنگی گرگان بخصوص علی آبادکتول داره.

حتی جاهای دیدنی کلاله از جمله قبرستان عجیب

و غریب ۴۰۰۰ ساله از زمان سومریان داره که اگه سودجویان

بگذارند سنگ هاش پمونه اینها بکر هستند. بدون سرمایه

گلزاری جذب گردشگری نخواهد بود. امکانات نیست، لذا

گردشگر نمی مونه حتی دفع پسماند درست نیست و

صحنه های بلی روانسان میبینه.

سلام و صبح بخیر، بسیار مطلب قابل تامل و تأثیر گزار

در اقتصاد خانواده روستای به قلم در آورده و اگر دولت

جنگ تحمیلی آب



آب یک ضرورت است. بدون آب، زندگی غیرممکن است. در مناطق خشک، جنگ برای آب می‌شود.

تصمیم گرفته برای جبران خسارت خیلی عالی.

مهندسی ابری نماینده غرب استان از تصویب و اجرای

یک آب شیرین کن در استان خبر داد درحالی که ناترازی

انرژی در استان این طرح را ناممکن کرده اگر به فکر

پیشرفت استان هستیم اول نیروگاه برق که لازمه آب

شیرین کن و صنعت می‌باشد باید در راس امور باشد.

یا اینکه اینها آموزش دیده ترین افراد برای تخریب استان

گلستان هستند که در راس امور قرار گرفته اند.



آپارتمان سبز راهنمای باغبانی بدون فضای باز

دارند و ارزان تر هستند، اما گیاهان کوچک زودتر بار می دهد.

گیاهان: اگرچه بسیاری از گیاهان به خوبی در ظروف رشد

می کنند، اما به اندازه فضای باز و در زمین رشد نمی

کنند. و در صورت برداشت مکرر ممکن است مجبور

شوید گیاهان خود را جایگزین کنید. اما داشتن گیاهان

تازه در نزدیکی برای پخت و پز بسیار عالی است. برخی

از انتخاب های برتر برای باغبانی آپارتمانی عبارتند از:

نعناع، پیازچه، جعفری، اسطوخودوس، ریحان و آویشن.

سبزیجات سالاد غذاهای مورد علاقه سالاد مانند کاهو، اسفناج

و آروگولا، گیاهانی با ریشه کم عمق و سریع رشد هستند.

اگر آب زیادی دریافت می کنند، به خوبی رشد می کنند.

گوجه فرنگی: گیاهان گوجه فرنگی می توانند بزرگ و سنگین

شوند، اما در گلدان به خوبی رشد می کنند. می توانید انواع

پاسپو را در یک سبد آویزان پرورش دهید. مطمئن شوید که

یک نوع کوتوله یا مشخص از گوجه فرنگی را انتخاب کرده اید.

فلفل چیلی: اگر به گرما علاقه دارید، فلفل تند خیلی خوب در

گلدان رشد می کند و می تواند در تمام طول سال میوه بدهد.

همچنین می‌توانید فلفل‌های شیرین را در گلدان‌ها پرورش

دهید، اما معمولاً به خوبی فلفل‌های تند عمل نمی‌کنند.

لیمو: برخی از ساده ترین میوه ها برای رشد در ظرف،

درختان مرکبات کوتوله هستند. لیموها اگر در هر روز

۶ تا هشت ساعت آفتاب داشته باشند، همراه با مقداری

رطوبت، در داخل خانه خوب عمل می کنند. چیزی

زیر گلدان قرار دهید تا از کف و میلمان خود محافظت

کند، زیرا درختان لیمو شیره چسبناکی ترشح می کنند.

توت فرنگی: یک جعبه توت فرنگی پنجره ای به همان

اندازه که خوشمزه است زیباست. گیاهان توت فرنگی

معمولاً به حداقل شش ساعت آفتاب در روز و خاک

مرطوب نیاز دارند تا بهترین میوه خود را تولید کنند.

مراقبت از باغ آپارتمانی

برای مراقبت از باغ آپارتمانی وظایف خاصی وجود دارد که

باید به طور منظم انجام دهید، برخی از این وظایف عبارتند از:

آبیاری: مهمترین وظیفه باغبانی آبیاری است. حتی اگر باغ

شما در معرض باران باشد، احتمالاً آب کافی نخواهد بود.

خاک در ظروف به سرعت خشک می شود، به خصوص

زمانی که گیاه شما رشد می کند. خاک را با فشار دادن

انگشت خود یک یا دو اینچ زیر سطح آزمایش کنید.



ضروری است. مخلوط گلدانی سبک و کرکی است و به طور

موثر اکسیژن و آب را برای حفظ سلامت ریشه ها به گردش

در می آورد. همچنین تا حدودی استریل است، بنابراین لازم

نیست نگران آوردن بیماری ها یا آفات به آپارتمان خود باشید.

آب

گیاهان در گلدان به آب زیادی نیاز دارند، اغلب چندین بار در

روز، بنابراین مکانی را برای باغچه گلدان خود انتخاب کنید

که دسترسی آسان به منبع آب داشته باشد. حمل قوطی

های آبیاری می تواند خسته کننده باشد، به خصوص اگر

چندین گلدان برای آب دادن دارید. اگر برای شما مقدور است

شلنگ بزرگی بخرید که امکان اتصال به شیر سینک را داشته

باشد و به راحتی بتوانید گلدانهای خود را با آن آبیاری کنید.

رطوبت

اگر گیاهان خود را روی طاقچه داخل خانه نگهداری

میکنید، ممکن است لازم باشد رطوبت بیشتری را

تامین کنید، به خصوص زمانی که از نور مصنوعی

استفاده میکنید. قرار دادن یک مرطوب کننده در

نزدیکی گلدان در تامین رطوبت بسیار مفید است.

باد

باد می‌تواند برگ‌ها را پاره کند و گلدان‌های سنگین

آپارتمان سبز راهنمای باغبانی بدون فضای باز

زندگی آپارتمان نشینی یکی از متداولترین نوع زندگی در دنیای

امروزی است. در محیط شهری، زندگی در خانه های ویلایی

که امکان پرورش گل و گیاه در حیاط خانه مقدور است،

رویایی است که برای همه مقدور نیست. با این وجود میل

به پرورش گل و گیاه در درون همه وجود دارد. ما شما را

راهنمایی می کنیم که در آپارتمان خود حتی اگر تراسی ندارید

گیاه خانگی خود را داشته باشید. به گزارش ایرنا زندگی، حتی

اگر در یک آپارتمان کوچک زندگی می کنید، باید بتوانید گیاه

بکارید. علاوه بر گیاهان آپارتمانی معمولی، برخی گیاهان، میوه

ها و سبزیجات نیز می توانند در باغ آپارتمان رشد کنند. شما

به راحتی می توانید در محیط آپارتمان مهارت های باغبانی

خود را تقویت کنید و با خواندن این مطلب در مورد آنچه

برای داشتن یک باغ در آپارتمان نیاز است بیشتر بدانید.

ن

حوه پرورش گیاهان در آپارتمان

در حالی که برخی از گیاهان نسبت به سایرین مقاوم تر و

بخشنده تر هستند، اما همه گیاهان دارای شرایط رشد خاصی

هستند که باید برآورده شوند. عواملی مانند دسترسی به نور

خورشید و وزن زیاد ظروف شما باید در نظر گرفته شوند.

در اینجا چند عنصر وجود دارد که باید هنگام انتخاب

گیاهان برای رشد در باغ آپارتمان خود در نظر بگیرید:

نور خورشید

بیشتر گیاهان بارده و گلدار نیاز به یک روز کامل آفتاب

دارند، یعنی روزانه ۶ تا هشت ساعت آفتاب مستقیم.

در یک آپارتمان به سختی می توان به آن دست یافت، به

خصوص در محیط شهری که ساختمان های بلند می توانند

حداقل بخشی از روز نور خورشید را مسدود کنند. با لکن

ها و پشت بام ها بهترین شانس آفتاب کامل را دارند. اگر

روی طاقچه داخل خانه باغبانی می کنید، می توانید گیاهانی

را انتخاب کنید که به نور خورشید کمتری نیاز دارند، مانند

سبزی ها و سبزی های مخصوص سالاد یا می توانید نور

رشد را برای تقلید از اشعه های خورشید اضافه کنید.

خاک

گیاهان برای آب، اکسیژن و مواد مغذی به خاک خود وابسته

هستند. از آنجایی که باغ آپارتمان شما احتمالاً دارای گلدان است،

نمی توانید از خاک معمولی باغچه استفاده کنید زیرا در گلدان

فشرده می شود بنابراین یک مخلوط گلدان بازه کشی خوب



خبر

مشکل تأمین روغن خوراکی در گلستان وجود ندارد



معاون توسعه بازرگانی جهاد کشاورزی گلستان با تأکید بر اینکه محدودیتی در تأمین روغن خوراکی در استان وجود ندارد گفت: اگر مودی از خرید اجباری گزارش شود با آن برخورد نظارتی خواهد شد. به گزارش روابط عمومی، حسین پهلوانان با اشاره به وضعیت تأمین روغن خوراکی در استان گفت: روغن مصرفی کشور عمدتاً وارداتی است و پس از واردات، در کارخانجات روغن‌کشی تصفیه، بسته‌بندی و توزیع می‌شود. در گلستان دو واحد تصفیه روغن فعال هستند که گرچه در ابعاد بزرگ نیستند، اما فعالیت مستمر دارند. وی افزود: تخصیص سهمیه روغن به استان‌ها از سوی وزارتخانه انجام می‌شود و شرکت‌های پخش، کالا را بر اساس همین سهمیه‌ها در استان توزیع می‌کنند. خوشبختانه تاکنون کمبودی که قابل توجه و نگران‌کننده باشد، در استان نداشتیم. پهلوانان با اشاره به اجرای طرح کالبرگ و نقش آن در مصرف خانوار، گفت: ممکن است در برخی فروشگاه‌ها به دلیل افزایش تقاضا، قفسه‌های روغن برای مدتی خالی شود تا دوباره شارژ صورت گیرد اما به هیچ وجه محدودیتی از نظر تأمین کلی روغن در استان وجود ندارد. شرکت‌های پخش با برندهای مختلف در سطح استان فعال‌اند و روند توزیع را پیگیری می‌کنند. معاون بازرگانی جهاد کشاورزی گلستان تأکید کرد: خانوارهای گلستانی نگران تأمین روغن خوراکی نباشند، چرا که ما موضوع را به صورت میدانی بررسی کرده‌ایم و هیچ مشکلی در عرضه استان وجود ندارد. وی همچنین با قدردانی از تیم‌های نظارتی در ایام تعطیلات گفت: همکاران ما در حوزه نظارت به صورت مستمر پای کار بوده‌اند تا خدمات لازم برای شهروندان و مسافران فراهم باشد. پهلوانان در ادامه با اشاره به برخی گزارش‌های مردمی در خصوص خرید اجباری روغن در فروشگاه‌ها اظهار کرد: خرید اجباری به صورت کامل ممنوع است و اگر فروشگاه‌های چنین رویه‌ای داشته باشند، تخلف محسوب شده و با آن برخورد خواهد شد. البته ممکن است در برخی برندهایی که میزان پخش محدودتر بوده، فروشگاه‌ها برای پوشش تقاضای بیشتر، محدودیت در تعداد عرضه لحاظ کرده باشند که این تصمیمات داخلی بوده و نباید به شکل اجبار در خرید نمود پیدا کند.

سر ندارد
که به دار آویزد
قلم
جوهر و مغز داد.

۱۲
از افسردگی
به پزشک مراجعه کردم
او بوسه و آغوش
تجویز کرد.

پرچم‌ها یک سو
در اهتزاز بودند
دولشکر
رو در رو.

۸
جوخه
تیرها را به مغزم، شلیک کن
قلبم جایگاه
معشوقم است.

۹
خواستم هیزم کنم تاک را
باغبان گفت
شرایش بهتر گرم می‌کند
ای ابله.

۱۰
شمع به یاد
دل سوخته‌ی
صاحبش اشک ریخت
نه امام زاده.

۱۱
قلم دست ندارد
که دست بند زنید
پا ندارد
که پابند زنید

۲
لب به دریا بزن
تا آب‌ها
آشامیدنی شوند.

۳
سنگ‌ها
بیش از
گنجشک‌ها.

۴
دعا کردم خدا یا
به زندانیان بال بده
یادم رفت اینجا
پرنده‌ها را شکار می‌کنند.

۵
در گل‌فروشی
نگاه به گل
نگاه به تو.

۶
خداوند گندم را
خوشه‌ای آفرید
انگور را خوشه‌ای
این بشر بمب را.

۱
آسمان طبل می‌کوبید
آذرخش نور افشانی
با بازوزه شاخ و برگ‌ها را
به رقص در می‌آورد
و انگشتای باران
روی گودال‌های آب
پیانو می‌نواختند.

افسردگی در کمین افراد



داده‌ها به ما می‌گویند که شاید چیزی بیشتر از یک عادت ساده در کار باشد. این مطالعه نشان داد که کرونوتایپ شبانه تا ۲۵ درصد از تغییرات در نمرات افسردگی را توضیح می‌دهد. عددی که نمی‌توان به سادگی از آن گذشت. این موضوع فقط به ایران محدود نیست. در چین، یک مطالعه بزرگ نشان داد که شب‌زنده‌دارها تقریباً دو برابر بیشتر از کسانی که نه خیلی صبح‌رو هستند و نه خیلی شب‌رو (یعنی کرونوتایپ میانی) در معرض خطر افسردگی قرار دارند. حتی بررسی‌های جهانی هم این را تأیید می‌کنند که شب‌زنده‌دارها معمولاً حال و هوای شکننده‌تری دارند. این داده‌ها به ما می‌گویند که شاید چیزی بیشتر از یک عادت ساده در کار باشد.

چرا این اتفاق می‌افتد؟

سوالی که پیش می‌آید این است: چرا شب‌زنده‌دارها بیشتر با افسردگی دست‌وپنجه نرم می‌کنند؟ جواب به دو بخش زیستی و رفتاری تقسیم می‌شود. از نظر زیستی، ساعت داخلی بدن

صبح‌ها ترجیح می‌دهند بیشتر در رختخواب بمانند. این تفاوت‌ها به ساعت داخلی بدن ما که به آن ریتم شبانه‌روزی می‌گویند بستگی دارد. این ساعت، مثل یک تنظیم‌کننده مخفی، روی خواب، هورمون‌ها و حتی حال و هوای ما اثر می‌گذارد. شب‌زنده‌دارها بیشتر افسرده می‌شوند! حالا که با کرونوتایپ آشنا شدیم، بایاید سراغ یافته‌های علمی برویم. پژوهشگران در ایران و کشورهای دیگر به این موضوع پرداخته‌اند که آیا واقعاً شب‌زنده‌داری با افسردگی ارتباط دارد یا نه. در یک مطالعه در ایران، ۳۰۰ دانشجو بررسی شدند. محققان از ابزارهای استاندارد مثل پرسشنامه صبح‌خیزی-شب‌خیزی و آزمون افسردگی بک استفاده کردند. نتیجه؟ بین شب‌زنده‌داری و افسردگی یک ارتباط معنادار پیدا کردند. دقیق‌تر بگوییم، هرچه فرد بیشتر به سمت شب‌زنده‌داری تمایل داشت، احتمال بروز علائم افسردگی در او بیشتر بود. شب‌زنده‌دارها معمولاً حال و هوای شکننده‌تری دارند. این

تا دیروقت بیدار می‌مانید و صبح‌ها به سختی از خواب بلند می‌شوید؟ شاید فکر کنید این فقط یک عادت شخصی است، اما تحقیقات نشان می‌دهد که شب‌زنده‌داری می‌تواند سلامت روان شما را تحت تأثیر قرار دهد. آیا واقعاً رابطه‌ای بین دیر خوابیدن و افسردگی وجود دارد؟ به گزارش ایرنا زندگی، آیا تا به حال به این فکر کرده‌اید که چرا برخی افراد صبح‌ها سرحال و پراثری هستند، در حالی که برخی دیگر شب‌ها به اوج انرژی خود می‌رسند؟ شاید خودتان هم تجربه کرده باشید که گاهی در ساعات پایانی روز احساس سرزندگی بیشتری دارید، یا برعکس، صبح‌ها با سختی از خواب بیدار می‌شوید. این تفاوت‌ها فقط به عادت یا ترجیح شخصی مربوط نمی‌شود؛ بلکه می‌تواند روی سلامت روانی ما هم تأثیر بگذارد. تحقیقات جدید نشان می‌دهد که کسانی که شب‌ها دیرتر می‌خوابند یعنی شب‌زنده‌دارها ممکن است بیشتر در معرض افسردگی قرار بگیرند. در این گزارش، این موضوع را بررسی می‌کنیم و به داده‌های علمی نگاهی می‌اندازیم تا ببینیم این ارتباط از کجا می‌آید.

کرونوتایپ چیست؟

بایاید اول با یک مفهوم کلیدی آشنا شویم: کرونوتایپ. این کلمه شاید کمی عجیب به نظر برسد، اما در واقع به تمایل طبیعی بدن ما برای خوابیدن در زمان‌های خاص اشاره دارد. بعضی‌ها «صبح‌رو» هستند؛ یعنی صبح زود بیدار می‌شوند و در ابتدای روز پر از انرژی‌اند. اما گروهی دیگر «شب‌رو» هستند؛ این افراد شب‌ها دیرتر می‌خوابند و

نگاهی به پدیده نوظهور کافه‌های سیار؛

کافه‌های سیار تجربه‌ای مدرن، طعمی نوستالژی

کافه‌های «سیار» با ترکیبی از نوستالژی و مدرنیته، توانسته‌اند محیطی گرم و دوستانه ایجاد کنند و ارتباطات انسانی در هر گوشه‌ای از آن جریان دارد

بود. «امیر جوان ۲۶ ساله و کارمند بانک نیز در این رابطه می‌گوید: «من به دنبال تنوع هستم. کافه‌های سیار معمولاً منوهای خاصی دارند و من دوست دارم غذاها و نوشیدنی‌های جدید را امتحان کنم. همچنین، این کافه‌ها معمولاً در مکان‌های جذاب قرار دارند که می‌توانم با دوستانم وقت بگذرانم.» وی در جواب این سوال که آیا احساس می‌کنی که کافه‌های سیار ارتباطات اجتماعی را تقویت می‌کنند؟ می‌گوید: «قطعاً! فضای غیررسمی این کافه‌ها باعث می‌شود که مردم راحت‌تر با هم صحبت کنند و ارتباط برقرار کنند. من بارها دیده‌ام که افراد در صف انتظار برای سفارش، با هم صحبت کرده‌اند و دوستی‌های جدیدی شکل گرفته است.» ندا ۲۲ ساله دارد و دانشجوی رشته مدیریت است و درباره فضای کافه‌های سیار می‌گوید: «فضای کافه‌های سیار خیلی خاص است. آنها معمولاً طراحی‌های جالب و منحصر به فردی دارند که باعث می‌شود حس خوبی داشته باشیم. من دوست دارم در چنین فضاهایی مطالعه کنم یا با دوستانم گپ بزنم.» وی درباره این سوال که آیا این کافه‌ها بر روی فرهنگ جوانان تأثیر گذاشته است؟ ادامه می‌دهد: «بله، به نظر من کافه‌های سیار به نوعی فرهنگ جدیدی را معرفی کرده‌اند. آنها فرصتی برای دور هم جمع شدن جوانان فراهم می‌کنند و به ما یادآوری می‌کنند که زندگی فقط درباره کار نیست، بلکه باید از لحظات کوچک لذت ببریم.» خانم محمدی ۵۵ ساله و معلم از مشتریان همیشگی یک کافه سیار است و می‌گوید: «من عاشق کافه‌های سیار هستم. حس می‌کنم وارد یک دنیای دیگه می‌شم. فضای این کافه‌ها خیلی گرم و صمیمی هست و قهوه‌هاشون هم خیلی خوشمزه‌ست. به نظرم کافه‌های سیار یک جایگزین عالی برای کافه‌های معمولی هستند.»

مزایای کافه‌های سیار:

کافه‌های سیار، مزایای متعددی برای صاحبان، مشتریان و حتی شهرها به همراه دارد: جذابیت بصری و نوستالژیک: استفاده از اتوبوس‌ها و خودروهای قدیمی، به کافه‌های سیار جذابیت بصری خاصی می‌بخشد و حس نوستالژی را در مشتریان زنده می‌کند. قابلیت جابجایی: کافه‌های سیار می‌توانند به راحتی در مکان‌های مختلف مستقر شوند و به این ترتیب، دسترسی به مشتریان را افزایش دهند. حضور در رویدادهای مختلف، پارک‌ها و فضاهای عمومی از جمله مزایای این قابلیت است.

هزینه راه‌اندازی کمتر: راه‌اندازی یک کافه سیار معمولاً به سرمایه کمتری نسبت به یک کافه ثابت نیاز دارد و می‌تواند فرصت‌های شغلی متعددی را ایجاد کند، به‌ویژه برای جوانان و کارآفرینان با بودجه محدود.

خلاقیت و نوآوری: کافه‌های سیار به صاحبان آنها اجازه می‌دهند تا با طراحی منوهای خلاقانه و ارائه خدمات منحصر به فرد، از رقبا متمایز شوند.

ایجاد فضای اجتماعی: کافه‌های سیار اغلب فضایی گرم و دوستانه دارند که به ایجاد ارتباطات اجتماعی بین مشتریان کمک می‌کند.



تا تجربه مشتریان را غنی‌تر کنیم.» آقای احمدی صاحب یک کافه سیار در تهران است و نیز در این ارتباط می‌گوید: «ایدهی کافه سیار از علاقه من به اتوبوس‌های قدیمی و قهوه شکل گرفت. من یک اتوبوس قدیمی خریدم و با بازسازی آن، یک کافه سیار جذاب ایجاد کردم. مشتریان ما عاشق فضای نوستالژیک و صمیمی کافه هستند. البته مشکلات هم داریم، مثل محدودیت فضا و نیاز به جابجایی مداوم، اما ارزشش را دارد. خانم حسینی از معدود زنانی است که یک کافه سیار در اصفهان را اداره می‌کند و می‌گوید: «ما سعی کردیم با ارائه محصولات باکیفیت و خدمات متفاوت، مشتریان خود را راضی نگه داریم. منوی ما شامل انواع قهوه‌ها، دمنوش‌ها و کیک‌های خانگی است. همچنین، ما سعی می‌کنیم با برگزاری رویدادهای مختلف، فضای کافه را جذاب‌تر کنیم.» گفت‌وگو با جوانانی که از کافه‌های سیار استفاده می‌کنند

گفت‌وگو با جوانان نشان‌دهنده تأثیر مثبت کافه‌های سیار بر روی زندگی اجتماعی و فرهنگی آنهاست. این کافه‌ها نه تنها فضایی برای نوشیدن قهوه و خوردن غذا فراهم می‌کنند، بلکه به عنوان مکان‌هایی برای ایجاد ارتباطات جدید و تجربه‌های مشترک عمل می‌کنند. جوانان به دنبال تنوع، خلاقیت و فضایی دوستانه هستند که کافه‌های سیار به خوبی این نیازها را برآورده می‌کنند. برای درک بهتر تجربه جوانان از کافه‌های سیار، با چند نفر از آنها گفت‌وگو کردیم. این جوانان به دلایل مختلفی به این کافه‌ها مراجعه می‌کنند و نظرات جالبی درباره این تجربه دارند. سارا، ۲۴ ساله دارد و دانشجوی هنر است و او در پاسخ به این سوال که چرا به کافه‌های سیار علاقه‌مند هستی؟ می‌گوید: «برای من، کافه‌های سیار یک حس خاص دارند. طراحی‌های خلاقانه و فضای دوستانه‌شان باعث می‌شود که احساس راحتی کنم. همچنین، من عاشق عکاسی هستم و این کافه‌ها مکان‌های فوق‌العاده‌ای برای گرفتن عکس‌های زیبا هستند.» وی درباره اینکه تجربه خاصی از این کافه‌ها دارد، ادامه می‌دهد: «بله، یک بار به کافه‌ای رفتم که در یک پارک قرار داشت. آنها یک شب موسیقی زنده برگزار کردند و فضای بسیار شادی داشت. واقعاً فراموش‌نشدنی

چرخ‌دستی‌ها و ون‌های کوچک، غذا و نوشیدنی به مردم عرضه می‌کردند. اما کافه‌های سیار امروزی، با طراحی‌های خلاقانه و منوهای متنوع‌تر، قدمی فراتر گذاشته‌اند. آنها با استفاده از المان‌های نوستالژیک مانند اتوبوس‌های قدیمی و خودروهای کلاسیک، فضایی گرم و صمیمی ایجاد می‌کنند که یادآور خاطرات گذشته است. کافه‌های سیار ابتدا در کشورهای غربی به عنوان یک راه حل برای ارائه خدمات غذایی در مکان‌های مختلف ایجاد شدند. این روند به سرعت به سایر نقاط جهان، از جمله ایران، منتقل شد. با توجه به تغییرات اجتماعی و فرهنگی، مردم به دنبال تجربه‌های جدید و متفاوت هستند و کافه‌های سیار این نیاز را برآورده می‌کنند.

صاحبان کافه‌های سیار از تجربه‌های خود می‌گویند

چه چیزی باعث می‌شود یک کارآفرین، زندگی خود را وقف بازسازی یک اتوبوس قدیمی و تبدیل آن به یک کافه سیار کند؟ و چه چیزی مشتریان را ترغیب می‌کند تا به جای یک کافه معمولی، به یک کافه سیار مراجعه کنند؟ برای اینکه درک عمیق‌تری از پدیده کافه‌های سیار داشته باشیم، تصمیم گرفتیم با افرادی که به طور مستقیم با این فضا در ارتباط هستند، به گفت‌وگو بنشینیم. در ادامه، پای صحبت‌های چند صاحب کافه سیار می‌نشینیم تا از انگیزه‌ها، چالش‌ها و تجربه‌هایشان در این دنیای نوستالژیک و مدرن بشنویم. علی صاحب کافه ون درباره اینکه چه چیزی وی را برای راه‌اندازی یک کافه سیار ترغیب کرده می‌گوید: «من همیشه به دنبال تجربه‌ای متفاوت بودم. وقتی دیدم که مردم به دنبال مکان‌های جدید برای دور هم جمع شدن هستند، تصمیم گرفتم که اتوبوس قدیمی‌ام را به یک کافه تبدیل کنم. این کار نه تنها برای من جذاب بود، بلکه حس نوستالژیک را نیز در دیگران زنده کرد.» وی درباره چالش‌هایی که در این مسیر داشت، افزود: «چالش‌های زیادی داشتیم، از جمله مجوزها، تأمین مواد اولیه و نگهداری خودرو. اما با عشق و علاقه‌ای که به کارم دارم، همه این مشکلات را پشت سر گذاشتم.» علی همچنین از بازخوردی که از مشتریان دریافت کرده بود، می‌گوید: «مشتریان ما عاشق فضای کافه هستند. بسیاری از آنها می‌گویند که اینجا یادآور دوران کودکی‌شان است و برایشان حس خوبی دارد. همچنین، ما سعی می‌کنیم برنامه‌های فرهنگی و موسیقی نیز برگزار کنیم

در قلب خیابان‌های شلوغ و پرهیاهوی شهر، کافه‌های سیار همچون نگین‌هایی درخشان، نظر را به خود جلب می‌کنند. این کسب و کارهای نوآورانه، ترکیبی جذاب از مدرنیته و نوستالژی را به ارمغان آورده‌اند؛ جایی که عطر قهوه، با خاطرات خوش گذشته در هم می‌آمیزد و تجربه‌ای منحصر به فرد را رقم می‌زند. به گزارش ایرنا زندگی، تصور کنید در یک روز پاییزی، سوار یک خودرو قدیمی بازسازی شده می‌شوید، بوی قهوه تازه شما را مست می‌کند و نواي موسیقی ملایمی در فضا می‌پیچد. اینجا نه یک خودرو معمولی، بلکه یک کافه سیار است؛ جایی که خاطرات کودکی با طعم قهوه در هم می‌آمیزند. در خیابان‌های شهر، پدیده‌ای نوظهور در حال شکل‌گیری است: کافه‌های سیار. این کافه‌ها که اغلب در اتوبوس‌ها و ون‌های قدیمی بازسازی شده‌اند، نه تنها نوشیدنی و غذا ارائه می‌دهند، بلکه تجربه‌ای متفاوت و جذاب را برای مشتریان خود رقم می‌زنند. حال این سوال مطرح می‌شود که چه چیزی یک اتوبوس قدیمی را به یک کافه دنج و دوست‌داشتنی تبدیل می‌کند؟ پاسخ این سوال را می‌توان در پدیده رو به رشد کافه‌های سیار یافت؛ کسب‌وکارهایی نوپا که با تلفیق نوستالژی و خلاقیت، فضایی گرم و صمیمی را در خیابان‌های شهر ایجاد کرده‌اند. در حقیقت کافه‌های سیار فراتر از یک فینجان قهوه، تجربه‌ای به یادماندنی را به مشتریان خود هدیه می‌دهند. فضایی صمیمی، طراحی‌های خلاقانه و منوهای متنوع، این کافه‌ها را به پاتوقی دوست‌داشتنی برای علاقه‌مندان به قهوه و فضاهای خاص تبدیل کرده است. تغییر کاربری اتوبوس‌ها و خودروهای قدیمی به کافه‌ها و رستوران‌های «سیار»، یکی از نوآورانه‌ترین روندهای صنعت غذا و نوشیدنی در دهه اخیر بوده است. این کافه‌های «سیار» با ترکیبی از نوستالژی و مدرنیته، توانسته‌اند محیطی گرم و دوستانه ایجاد کنند و ارتباطات انسانی در هر گوشه‌ای از آن جریان دارد. به اعتقاد کارشناسان این حوزه در دنیای مدرن امروز، که سرعت و تکنولوژی بر همه چیز سایه افکنده‌اند، گاهی نیاز به فضاهایی داریم که ما را به گذشته ببرند و حس آرامش و صمیمیت را به ما هدیه کنند. کافه‌های سیار، با تلفیق نوستالژی و مدرنیته، دقیقاً همین فضا را برای ما فراهم می‌کنند. آنان معتقدند: کافه‌های سیار، به عنوان یک پدیده نوظهور در صنعت غذا و نوشیدنی، نه تنها فرصت‌های جدیدی را برای کارآفرینی ایجاد کرده‌اند، بلکه به تنوع و پویایی فضاهای شهری نیز کمک کرده‌اند. این کافه‌ها با ارائه خدمات منحصر به فرد و ایجاد فضاهای اجتماعی، نقش مهمی در ارتقای کیفیت زندگی شهروندان ایفا می‌کنند. آیا تا به حال فکر کرده‌اید که یک اتوبوس اسقاطی می‌تواند به یک کافه دنج و پرطرفدار تبدیل شود؟ این ایده خلاقانه، الهام‌بخش بسیاری از کارآفرینان جوان بوده است که با راه‌اندازی کافه‌های سیار، فضاهای جدیدی را برای ملاقات، گفت‌وگو و لذت بردن از قهوه در شهر ایجاد کرده‌اند. این گزارش به بررسی پدیده کافه‌های سیار می‌پردازد و تلاش می‌کند تا با نگاهی جامع و دقیق، ابعاد مختلف این کسب‌وکار نوپا را مورد بررسی قرار دهد. در این گزارش، به تاریخچه، مزایا، چالش‌ها و آینده کافه‌های سیار خواهیم پرداخت و با صاحبان و مشتریان این کافه‌ها به گفت‌وگو خواهیم نشست.

تاریخچه و ریشه‌ها

در دهه‌های گذشته، فروشندگان دوره‌گرد با استفاده از